

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هوشمندانوشه

۲۹ اپریل ۲۰۲۲

پروژه "نورداستریم ۲" یورش امریکا به بازار گاز اروپا



Legion-media.ru

بازار گاز اروپا و در مرکز آن پروژه نورداستریم ۲ در سالهای اخیر صحنه یکی از شدیدترین زورآزمایی‌ها میان امریکا، اروپا و روسیه بوده است. در این مطلب پیچیدگی این زورآزمایی‌ها و انگیزه‌های آن بررسی می‌شوند. این مطلب در ضمن می‌تواند روشن‌گر دلایل ناآرامی‌های اخیر در اروپا باشد.

در سال‌های گذشته پروژه نورداستریم ۲، پروژه‌ای جهت افزایش صادرات گاز از روسیه به المان از طریق بحیره بالتیک، صحنه یک زورآزمایی آشکار در عرصه سیاست جهانی شده بود. این پروژه از همان نخستین روز نه تنها یک پروژه اقتصادی، بلکه دارای بُعد ژئوپولیتیک نیز بود و از سوی همه طرفین ذی‌نفع همچون وزنه سنگینی در معادلات جهانی شمرده می‌شد. برای درک بهتر اهمیت و جایگاه این پروژه، خوب است ابتداء نگاهی کوتاه به پیشینه صادرات گاز از روسیه به المان بیفکنیم.

روسیه همواره یکی از بزرگترین منابع تأمین گاز برای اروپا به شمار می‌آمده و همواره تلاش داشته است تا امکان صادرات گاز به اروپا را گسترش دهد.

نخستین پروژه برای رساندن گاز روسیه به المان، پروژه سایوز

پس از کشف منابع گاز در منطقه ولگا اورال در خاک اتحاد شوروی در سال ۱۳۴۵ خورشیدی، کشورهای سوسیالیستی تصمیم گرفتند با احداث یک خط لوله، گاز را از روسیه و از طریق اوکراین به اروپای شرقی برسانند. این پروژه سایوز نام گرفت (در زبان روسی به معنای وحدت یا اتحاد) و با شرکت کشورهای سوسیالیستی المان، دموکراتیک، پولند، بلغارستان، چکسلواکی، هنگری و همچنین جمهوری سوسیالیستی اوکراین (در آن زمان بخشی از اتحاد شوروی) از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ به اجراء درآمد. طول این خط لوله در مجموع ۲۶۷۵ کیلومتر بود. کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی متعهد شدند تا هر یک احداث یک پنجم مسیر لوله گاز را بر عهده بگیرند.

پس از اجرای این پروژه امکان انتقال گاز به کشورهای اروپای غربی از جمله المان غربی، اتریش و ایتالیا نیز فراهم شد. انتقال گاز از اتحاد شوروی به المان غربی بر پایه قراردادی بود که در سال ۱۳۴۹ بین این دو کشور به امضاء رسیده بود. مطابق این قرارداد در قبال تحویل گاز، المان غربی لوله‌های گاز و همچنین وام‌های لازم را برای اجرای پروژه تأمین می‌کرد. خط لوله سایوز نخستین سامانه برای رساندن گاز از روسیه به اروپای غربی بوده است. در حال حاضر این خط صادراتی گاز روسیه برای رسیدن به المان باید از خاک کشورهای اوکراین، اسلواکی و جمهوری چک عبور کند.

همان زمان نیز دولت امریکا تلاش کرد تا موانعی برای این همکاری اقتصادی و نزدیکی میان کشورهای سوسیالیستی و اروپای غربی و به ویژه المان فدرال ایجاد کند. هنگامی که دولت کندی از قصد المان فدرال جهت صدور لوله برای استفاده در پروژه خط لوله نفت دروژبا (به معنای دوستی در زبان روسی) مطلع شد، تصمیم گرفت تا صدور لوله به کشورهای سوسیالیستی را تحریم و این تحریم را از طریق پیمان ناتو به تمام کشورهای عضو این پیمان از جمله جمهوری فدرال المان تحمیل کند. خط لوله دروژبا به طول ۴۰۰۰ کیلومتر، طولانی‌ترین خط لوله نفت در جهان است و جهت رساندن نفت از شرقی‌ترین بخش اروپائی روسیه به کشورهای اروپای شرقی و غربی احداث و در سال ۱۳۴۳ به بهره برداری رسید. این تحریم در سال ۱۳۴۲ وارد عمل شد و پس از سه سال لغو گردید. (۱۲)



مسیر عبور سه خط لوله گاز سایوز، یامال و نورد استریم

دومین پروژه برای رساندن گاز روسیه به المان، پروژه یامال

پروژه یامال جهت احداث لوله گاز به طول ۴۱۰۷ کیلومتر به منظور ارسال گاز از منابع گاز در غرب سیبری و از طریق خاک جمهوری بلاروس به پولند و المان تعریف شد. مراحل نخستین احداث خط لوله از سال ۱۳۷۳ آغاز شد و از سال ۱۳۷۶ تحویل گاز به کشور المان آغاز شد. در این مسیر گاز روسیه برای رسیدن به المان باید از کشورهای بلاروس و پولند عبور کند. پس از تصمیم دولت پولند مبنی بر عدم واردات گاز پس از سال ۱۴۰۱ از روسیه، انتقال

گاز از روسیه به آلمان از طریق این خط عملاً مختل شده است. این لوله از ماه دسامبر سال پیش در جهت عکس یعنی از غرب به شرق کار می‌کند. بدین ترتیب گاز نه از روسیه به پولند بلکه از آلمان به پولند منتقل می‌شود.

پروژه نورد استریم

پروژه نورد استریم در اصل بر اساس یک مبادلهٔ دوجانبهٔ اقتصادی یعنی به منظور فروش گاز روسیه به آلمان و نهایتاً به اروپا تعریف شده است و در این بُعد خود یک پروژهٔ اقتصادی است. هدف این پروژه تأمین گاز از طریق احداث خط لوله به طول ۱۲۰۰ کیلومتر در اعماق بحیره بالتیک مستقیماً از روسیه به آلمان بدون گذار از خاک کشورهای همسایه می‌باشد. در بُعد ژئوپولیتیک، این پروژه موجب نزدیکی روسیه و آلمان می‌شود، آلمان را به مرکز توزیع گاز در اروپا ارتقا می‌دهد و بر اهمیت ژئوپولیتیک آلمان می‌افزاید و از سوی دیگر از تأثیرگذاری کشورهای ترانزیت (به ویژه اوکراین، پولند) می‌کاهد. اکنون ببینیم این پروژه با چه منطق و انگیزه‌ای تعریف شده است.

بر اساس پیش‌بینی‌ها نیاز اروپا به گاز در سال‌های آینده افزایش خواهد یافت. آلمان و اتحادیهٔ اروپا در چارچوب برنامهٔ دگرگونی اقلیمی خود و برنامهٔ کاهش سریع مصرف سوخت‌های فسیلی، استفاده از گاز را به عنوان یک منبع قابل قبول در دوران گذار، پذیرفته‌اند. در مورد آلمان، نیاز به گاز حتی شدیدتر است چرا که آلمان استفاده از انرژی هسته‌ای را نیز متوقف کرده است. به همین دلیل تأمین میان‌مدت گاز در دستور کار کشورهای اتحادیهٔ اروپا قرار گرفته است. در عین حال استخراج گاز از منابع موجود در داخل اتحادیهٔ اروپا در حال کاهش است و از سوی دیگر نیاز کشورها به گاز در سال‌های آینده رو به افزایش دارد. بنابراین احداث یک خط لولهٔ جدید جهت افزایش واردات توجیه اقتصادی دارد.

لوله‌های موجود در دستگاه‌های قدیمی هم نیاز به تعمیرات و نوسازی بسیار پر هزینه داشتند، هم از نظر ظرفیت پاسخگوی نیازهای آتی اروپا نبودند و هم به دلیل عبور از خاک کشورهای همسایه (بلاروس، اوکراین و پولند) مشکلات و درگیری‌های زیادی را در رابطه با حق ترانزیت و کنترل لوله‌های گاز ایجاد می‌کردند. احداث یک خط لوله از زیر بحیره بالتیک و بدون عبور از کشورهای همسایه راه حلی بود که پروژه نورد استریم نام گرفت. این پروژه در حقیقت با حذف طرف‌های واسطه، فروشنده را مستقیماً به خریدار وصل می‌کند.

نطفهٔ این پروژه در سال ۱۳۸۴ در نمایشگاه هانوفر آلمان با امضای یک توافق‌نامه از سوی دو شرکت "ب.آ.اس.اف" (یکی از بزرگترین کنسرن‌های کیمیائی آلمان) و شرکت گازپروم روسی با حضور گرهارد شرودر صدر اعظم وقت آلمان و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور وقت روسیه گذاشته شد. پروژه نورد استریم را می‌توان به دو فاز تقسیم کرد.

نورد استریم ۱

هدف این پروژه رساندن گاز از روسیه از طریق بحیره بالتیک بدون عبور از کشورهای واسطه به طور مستقیم به شمال شرقی آلمان با ظرفیت سالانه حدود ۵۸ میلیارد متر مکعب گاز بود. این پروژه نیاز به ۱۲۲۴ کیلومتر لوله داشت که می‌بایست تماماً زیر آب نصب شوند. به دلیل عبور این لوله از مناطق اقتصادی سویدن، فنلاند و دانمارک، موافقت این سه کشور برای اجرای این پروژه جلب شد. این پروژه فراتر از تنها ارسال گاز بوده و در حقیقت چارچوبی جهت گسترش همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور روسیه و آلمان به شمار می‌رود. دو کنسرن از آلمان یعنی ب.آ.اس.اف و BASF و ا.ون e.on توافق کردند در این پروژه سهیم باشند و در ازای آن سهمی به آنها در فعالیت‌های نفتی در سیبری واگذار شود. به علاوه به دلیل انتقال مستقیم گاز به آلمان، این کشور نقش مهم‌تری در توزیع گاز در اروپا ایفاء

می‌کند و می‌تواند به مرکز جدیدی برای توزیع گاز به کشورهای دیگر در اروپا تبدیل شود. گرهارد شرودر صدراعظم وقت المان پس از شکست در انتخابات سال ۱۳۸۴ المان، جایگاه مهمی در مدیریت شرکت نورد استریم (متعلق به شرکت گاز پروم) به دست آورد و در این مقام توانست جهت پیشبرد این پروژه کارساز باشد.

نورد استریم ۲

در سال ۱۳۹۰ مطالعاتی جهت افزایش ظرفیت گاز صادراتی به المان از طریق بحیره بالتیک صورت گرفت. پس از ناآرامی‌های اوکراین در سال ۱۳۹۳ و مشکلاتی که در رابطه با صدور گاز روسیه از خاک اوکراین به وجود آمد، گازپروم قراردادی با چندین کنسرن نفتی اروپا جهت شروع فاز دوم امضاء کرد. این شرکت‌ها عبارت بودند از رویال داچ شل (بریتانیا-هالند)، اوم.وی (اتریش)، ان.جی (فرانسه)، اونی.پر و همچنین وینترشال (المان). کنسرن‌های اروپایی همیشه مایل بوده‌اند از طریق قراردادهای ستراتیژیک به بازار و معادن روسیه دست یابند و به همین دلیل از این فرصت استفاده کردند. در این پروژه دو خط لوله موازی با لوله‌هایی به قطر ۴۸ اینچ به طول ۱۲۲۴ کیلومتر در کنار لوله گاز فاز ۱ جهت انتقال گاز از روسیه به شمال شرق المان کشیده شد. با اتمام و به راه‌اندازی فاز دوم پروژه ظرفیت سالانه انتقال گاز از طریق بحیره بالتیک به المان به دوبرابر یعنی به حدود ۱۱۰ میلیارد مترمکعب افزایش خواهد یافت.

حالا باید دید چه نیروهائی و به چه دلیلی با این پروژه مخالفت می‌کردند.

مخالفت امریکا

امریکا نقش رهبری جبهه مخالفان را بر عهده داشته و این مخالفت هم دارای جنبه اقتصادی و هم جنبه ژئوپولیتیک بوده است. برای درک سیاست امریکا در رابطه با پروژه نورد استریم ۲ ابتداء لازم است ستراتیژی امریکا در رابطه با روسیه و المان را بهتر درک کنیم. این ستراتیژی را می‌توان بسیار روشن از زبان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان ژئوپولیتیک امریکا شنید. جورج فریدمن بنیانگذار و مسوول اتاق فکر استرات فور Stratfor یکی از نظریه‌پردازان بسیار مطرح در امریکا در رابطه با ستراتیژی ژئوپولیتیک امریکا به شمار می‌آید. دولتمردان امریکا و همچنین مسوولان بسیاری از کنسرن‌های امریکا به سخنان، پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های او گوش می‌دهند. جورج فریدمن در سخنرانی ایراد شده برای "شورای شیکاگو در امور بین‌المللی" ستراتیژی ژئوپولیتیک امریکا را چنین خلاصه می‌کند: "اساسی‌ترین توجه امریکا (در سیاست خارجی) در طول صد سالی که به خاطر آن ما در جنگ‌های زیادی شرکت کردیم، جنگ اول و دوم جهانی و جنگ سرد، مربوط به رابطه میان المان و روسیه بوده است. چرا که اتحاد این دو، تنها نیروئی خواهد بود که می‌تواند ما را تهدید کند و منافع ما ایجاب می‌کند که اجازه ندهیم این اتحاد عملی شود." (۸)

برژینسکی، مشاور امنیت ملی جیمی کارتر رئیس‌جمهور امریکا، همین مضمون را در کتاب مشهورش به نام "صفحه بزرگ شطرنج" به این شکل بیان کرده است: "ضروری است تا از به وجود آمدن رقیب دیگری که بتواند به اروسیا مسلط شود و امریکا را به نبرد فراخواند، جلوگیری شود." نگرانی امریکا در مورد ایجاد روابط نزدیک میان روسیه و المان در اینجا بروشنی بیان شده است. بنابراین با از میان برداشتن پروژه نورد استریم ۲، امریکا در حقیقت به طور همزمان دو هدف را تعقیب می‌کرده است: نخست افزایش نفوذ در بازار گاز اروپا و سلطه بر این بازار مهم؛ و دوم شکاف انداختن و جلوگیری از نزدیک شدن روسیه و المان بوده است.

جایگاه امریکا در بازار جهانی گاز

تا دهه ۱۳۹۰ میزان تولید گاز امریکا به حدی نبود که بتواند صادرات قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. تنها پس از به کار گیری شیوه استخراج گاز شیل از لایه‌های سنگی در اعماق زمین امریکا توانست تولید گاز را به سرعت افزایش دهد و صادرات گاز خود را از طریق صدور گاز مایع به سرعت بالا ببرد و از سال ۱۳۹۵ به یکی از صادرکنندگان مهم گاز مایع تبدیل شود. نمودار مقابل رشد سریع تولید گاز امریکا و میزان اضافه تولید را از سال ۱۳۸۴ به بعد نشان می‌دهد. در اینجا بود که امریکا شرایط را برای حضور بیشتر و گرفتن سهمی بزرگتر از بازار گاز اروپا آماده دید. در عین حال هزینه خرید گاز مایع و انتقال آن با توسط کشتی از امریکا، بسیار گران‌تر از بهای گازی است که توسط لوله از روسیه به اروپا منتقل می‌شود. متخصصان اختلاف قیمت را حدود ۳۰ درصد گران‌تر تخمین می‌زنند. بدین ترتیب واضح است که خریداران اروپایی هیچ دلیل اقتصادی برای خرید گاز مایع از امریکا نداشتند. پس باید دلایل دیگری مطرح می‌شدند. بدین ترتیب حملات علیه پروژه نورد استریم ۲ شدت گرفت. امریکا در اینجا چندین هدف را دنبال می‌کرد. دولت امریکا از تحکیم پیوندهای اقتصادی میان روسیه و المان و اتحادیه اروپا و از نزدیکی این دو قدرت به هیچ وجه راضی نبود و با کاهش سهم روسیه از بازار گاز اروپا می‌توانست از نزدیکی روسیه و اروپا بکاهد. با این هدف امریکا مسأله گاز و روسیه‌ستیزی را در هم آمیخت تا بتواند متحدانش را حول یک برنامه اقتصادی ژئوپولیتیک بسیج کند. کشورهای ترانزیت گاز و به ویژه اوکراین و پولند متحدان طبیعی امریکا در این مبارزه به شمار می‌روند.



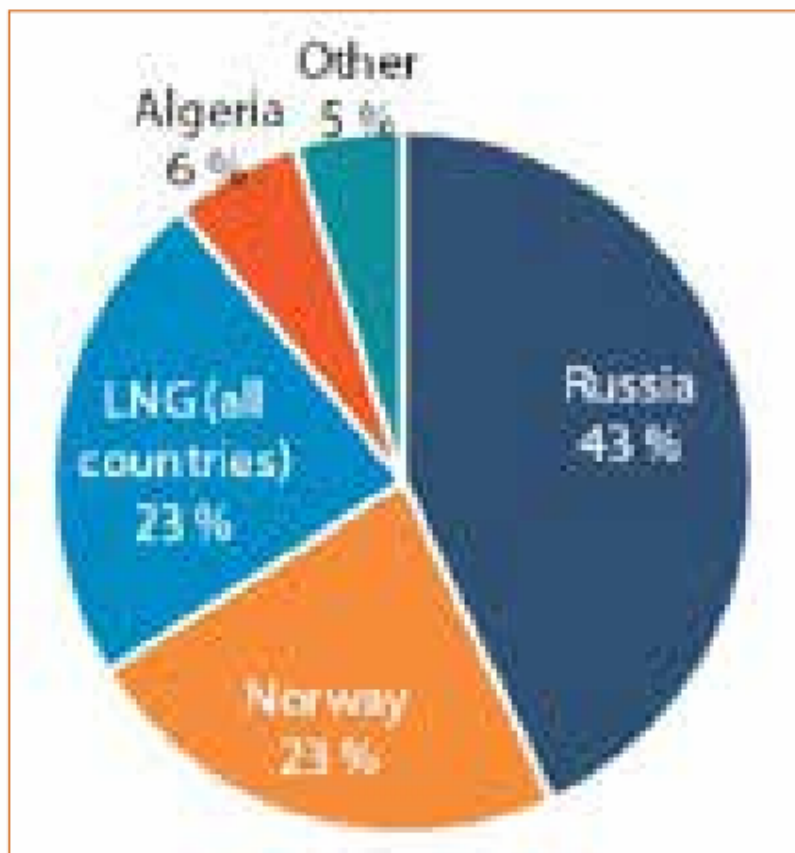
حالا به نمونه‌هایی از فشارهای امریکا به المان به منظور متوقف کردن و لغو این پروژه نگاه کنیم: در سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ کنگره امریکا سه بار تحریم‌هایی علیه پروژه نورد استریم ۲ تصویب کرد. تحریم‌های جدیدی که دونالد ترامپ علیه شرکت‌های درگیر در پروژه نورد استریم ۲ به تصویب رساند، موجب شد تا کار نصب لوله‌ها در سال ۱۳۹۸ برای مدتی نزدیک به یک سال متوقف شود. (۶) رکس تیلرسون وزیر امور خارجه امریکا مخالفت خود را با پروژه نورد استریم ۲ در سال ۱۳۹۶ اعلام داشت. باید توجه داشت که تیلرسون پیش از تصدی مقام وزارت امور خارجه، ریاست کنسرن نفتی اکسان‌موبیل را بر عهده داشت. از این رو چنین موضعی از سوی او قابل فهم است. تیلرسون در

جریان دیداری از پোলند، گفت، اجرای این پروژه به ضرر منافع ایالات متحده امریکا و پোলند است و امنیت انرژی و ثبات اروپا را به خطر می‌اندازد.

دونالد ترمپ رئیس‌جمهور امریکا در سال ۱۳۹۸ قانونی را مبنی بر تحریم پروژه نورداستریم ۲ امضاء کرد. این قانون به تصویب هر دو نهاد قانون‌گذاری یعنی مجلس سنا و کنگره رسیده بود. با این که پروژه نورد استریم ۲ مراحل نهایی خود را طی می‌کرد و آخرین لوله‌های گاز در بحیره بالتیک نصب می‌شدند، دولت امریکا شرکت‌های درگیر در این پروژه را تهدید کرد در صورت ادامه کار تمام اموال آنها در ایالات متحده ضبط خواهند شد. دولت‌های اوپاما و جورج بوش (پسر) نیز با دونالد ترمپ در این ارزیابی مبنی بر آن که "از نظر امریکا نورد استریم ۲ موجب تخریب و بی‌ثباتی امنیت ساختار انرژی در اروپا خواهد شد" هم نظر بودند.

کنگره امریکا در سال ۱۳۹۹ تحریم‌هایی علیه شرکت‌های سهامی در پروژه نورداستریم ۲ به تصویب رساند. پس از آغاز ریاست جمهوری جو بایدن نیز کاخ سفید اعلام داشت که رئیس‌جمهور همچنان بر آن است که نورداستریم ۲ معامله بدی برای اروپا به شمار می‌رود.

دولت امریکا از هر فرصتی برای توقف پروژه نورد استریم ۲ استفاده کرده است. در جنجالی که در رابطه با مسموم شدن آلکسی ناولنی در سال ۱۳۹۹ در رسانه‌های گروهی امریکا و اروپا درگرفت، پیش از آن که چیزی اثبات شود، امریکا و متحدانش خواهان متوقف کردن نورد استریم ۲ شدند.



سهم واردات گاز اتحادیه اروپا از مناطق مختلف

مورد دیگر مناقشه‌ای است که در اوائل سال جدید میلادی بین روسیه و کشورهای عضو پیمان ناتو در رابطه با عضویت اوکراین در پیمان ناتو در گرفته است. این بار هم آمریکا و متحدانش بلافاصله خواهان توقف نورد استریم ۲ شدند. باید دید انگیزه واقعی ایالات متحده آمریکا از متوقف کردن این پروژه چیست؟ واقعیت این است که آمریکا به بزرگترین تولیدکننده گاز در جهان تبدیل شده است و اروپا نیز پس از آمریکا بزرگترین مصرف‌کننده گاز به شمار می‌رود. آمریکا در سال‌های اخیر به طور مرتب صادرات خود را به اروپا افزایش داده است. پس از درگیر شدن جنگ بازرگانی شدید میان اروپا و آمریکا، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا مجبور شد در سال ۱۳۹۷ برای پایان دادن به این جنگ با واردات گاز مایع از آمریکا موافقت کند. پس از این توافق واردات گاز مایع از آمریکا به مقصد اروپا افزایش جهشی پیدا کرد. نمودار زیر رشد جهشی صادرات گاز مایع آمریکا به اروپا در سال ۱۳۹۸ دیده می‌شود. گاز آمریکا به صورت مایع (ال.ان.جی) توسط کشتی‌های بزرگ صادر می‌شود. دو سوم گاز آمریکا گاز شیل است که از طریق تزریق گاز در لایه‌های سنگی زیر زمین Fracking به دست می‌آید. طرفداران محیط زیست این شیوه را بسیار مخرب و به زیان محیط زیست می‌دانند و با آن به شدت مخالفند. این مخالفت به ویژه در آلمان به علت قدرت سیاسی و اجتماعی سبزه‌ها بسیار پرخروش بوده است.

حالا ببینیم آنا میکولسکا از کارشناسان ارشد "مؤسسه پژوهش‌های سیاست امور خارجی" Foreign Policy Research Institute چه پیشنهاد‌های مشخصی در این مورد ارائه می‌کند: "در اروپای مرکزی و شرقی، آمریکا می‌تواند به توسعه ترمینال‌های بنادر در پولند و لیتوانی جهت واردات گاز مایع و همچنین تسریع پروژه لوله گاز بالتیک (پروژه لوله گاز بالتیک توسط کشورهای نلروی، دنمارک و پولند اجراء می‌شود و هدف آن ارسال گاز از ناروی به دنمارک و پولند است) و خط لوله فنلاند استونی و یا خط لوله گاز پولند لیتوانی یاری رساند... با توجه به این که بسیاری از قراردادهای بلند مدت گازپروم در دهه ۲۰۲۰ خاتمه می‌یابند، توسعه سریع ساختارها و بازکردن بازارها در کشورهای اروپا کمک خواهد کرد تا در معامله‌های آتی با روسیه بتوانند موضع بهتری داشته باشند و نگران بعد ژئوپولیتیک معاملات آتی گاز با روسیه نباشند. در رابطه با کشورهای شرق مدیترانه و اسپانیا نیز می‌توان به همین ترتیب عمل کرد." (۱)

در اینجا یکی از مشاوران ارشد و مورد اطمینان کارگزاران سیاسی و اقتصادی آمریکا خطوط اصلی سیاست این کشور را در رابطه با جوانب اقتصادی و ژئوپولیتیک گاز در اروپا ترسیم می‌کند. به توصیه او آمریکا باید به ساخت ترمینال‌ها در بنادر جهت واردات گاز مایع کمک کند تا از یک سو صادرات گاز آمریکا به اروپا افزایش و از سوی دیگر واردات گاز اروپا از روسیه کاهش یابد. کمک به ساخت دیگر لوله‌های گاز که از مبدأ روسیه نیستند نیز در جهت دستیابی به اهداف آمریکا یعنی کاهش واردات گاز از روسیه خواهد بود. حال در اینجا نیز می‌بینیم که دو بعد اقتصادی و ژئوپولیتیکی مسأله گاز چگونه در هم تنیده شده‌اند.

باید خاطر نشان کرد که "مؤسسه پژوهش‌های سیاست امور خارجی" یک مؤسسه بسیار مهم در رابطه با مسایل مربوط به روابط خارجی در امریکا است. نظرات متخصصان این مؤسسه بسیار مورد توجه مسؤولان دولت و همچنین مدیران کنسرن‌های آمریکا و در بسیاری از موارد در شکل‌گیری تصمیم‌های آنها تأثیرگذار است.

جالب است که می‌بینیم سیاستمداران آمریکا با چه مهارتی و اژه‌های دهان‌پرکنی برای تبلیغ گاز آمریکا به کار می‌برند. در این تبلیغات گاز آمریکا "گاز آزادی" نامیده می‌شود. گویا با استفاده از گاز آمریکا کشورها به آزادی دست خواهند یافت و در غیر این صورت آزاد نخواهند بود. یا در جای دیگری سخن از "امنیت انرژی در اروپا" است. گویا با فروش

گاز امریکا امنیت انرژی در اروپا تأمین خواهد شد و در غیر این صورت از این امنیت خبری نیست. باید دانست که اروپا سال‌های سال است که بدون گاز امریکا از امنیت انرژی برخوردار بوده است.

حالا ببینیم این سیاست پیشنهادی متفکران امریکا چگونه در پولند عملی می‌شود. باید دانست که دولت پولند همگام با سیاست‌های امریکا در سال ۱۳۹۸ تصمیم گرفت تا به واردات گاز از روسیه خاتمه دهد. در این چارچوب مطلب زیر معنا پیدا می‌کند: "شرکت دولتی گاز پولند اعلام کرد که واردات گاز مایع در سال ۱۳۹۹ به نسبت سال پیش ۱۰ درصد افزایش یافته است... این شرکت یک قرارداد ۵ ساله جهت واردات گاز مایع از ترمینال لوئیزیانا در امریکا امضا کرده است. شرکت دولتی گاز پولند همچنین با واردات گاز از مبدأ تکراس و لوئیزیانا در طول ۲۰ سال آینده موافقت کرده است... رئیس جمهور امریکا دونالد ترامپ با تأکید بر تعهد بر تنوع انرژی در اروپا اظهار داشت که امریکا قصد دارد مقادیر عظیمی گاز مایع به قیمت بسیار خوب به پولند صادر کند... لایحه‌ای که به مجلس سنای امریکا ارائه شده، از دولت می‌خواهد با تسریع در اجازه صادرات گاز به کشورهای عضو پیمان ناتو کمک کند تا خود را از دام تمهیدات روسیه رها کنند." (۴)

بدین ترتیب می‌توان بخوبی مشاهده کرد که چه رابطه‌ای بین مخالفت امریکا با پروژه نورد استریم ۲ و کنترل بازار نفت اروپا وجود دارد. در اینجا نقش پیمان ناتو نیز فاش می‌شود که نه تنها یک پیمان نظامی، بلکه پیمانی است جهت پیشبرد منافع تجاری و ژئوپولیتیک امریکا.

زورآزمایی میان اروپا و امریکا

پروژه نورد استریم و به ویژه فاز دوم آن در سال‌های اخیر به یک صحنه زورآزمایی آشکار میان اتحادیه اروپا و امریکا تبدیل شده بود. امریکا رهبری جبهه مخالفان را به عهده داشت و با استفاده از نیروی اقتصادی و رسانه‌ای خود، از هر فرصتی برای مخالفت با این پروژه و سنگ انداختن در مسیر آن استفاده می‌کرد. تد کروز سناتور از ایالت تکراس و عضو کمیته روابط خارجی سنای امریکا، یکی از سخنگویان سرشناس کنسرن‌های نفت و گاز امریکا و از سردمداران تصویب تحریم‌ها علیه پروژه نورد استریم ۲ در مجلس سنای امریکا به شمار می‌رود. بدون دلیل نیست که کروز سالانه مبالغ هنگفتی از کنسرن‌های نفت و گاز امریکا کمک مالی دریافت می‌کند. او در دوران فعالیت سیاسی خود تا کنون بیش از ۳ میلیون دلار کمک از سوی این کنسرن‌ها دریافت کرده است. (۷)

تحریم‌هایی که در دوران ریاست جمهوری اوباما تنظیم شده بودند، در زمان ریاست جمهوری ترامپ با اکثریت بی‌سابقه‌ای در مجلس سنای امریکا به تصویب رسیدند. تقریباً همه اعضای مجلس سنا یعنی ۹۸ نفر از مجموع ۱۰۰ نماینده به این تحریم‌ها رأی موافق دادند. وزیر امور خارجه آلمان، گابریل، بلافاصله پس از تصویب این تحریم‌ها شدیداً مخالفت دولت آلمان را با این تحریم‌ها اعلام داشت: "سنای امریکا با صراحت بی‌سابقه‌ای اعلام داشت که هدف تحریم‌ها دور کردن روسیه از بازار گاز اروپا می‌باشد. امریکا مایل است گاز خود را در اروپا بفروشد تا از یک سو کار بیشتری برای مردم امریکا تضمین کند و از سوی دیگر از شر یک رقیب ناخوشایند خلاص شود... ما اروپایی‌ها هستیم که در مورد چگونگی تأمین انرژی‌مان تصمیم می‌گیریم و نه رئیس جمهور امریکا." (۹)

پس از تصویب تحریم‌های شدید از سوی امریکا علیه شرکت‌های آلمانی و اروپایی، مقامات آلمان ناچار شدند، در مقابل این تحریم‌ها به نحوی آشکار موضع‌گیری کنند. نیلز اشمید، سخنگوی فراکسیون حزب سوسیال دموکرات در پارلمان آلمان در امور خارجه، طی سخنانی در سال ۱۳۹۹ این فشارها و تحریم‌ها را "دخالتهای شدید در حق حاکمیت و استقلال" کشور آلمان دانست و اشاره کرد که در این مورد بسیاری از سفرای دیگر کشورهای اتحادیه اروپا با او هم نظر هستند.

"ما در مورد نورد استریم ۲ همیشه هم نظر نیستیم، ولی اجازه نمی‌دهیم که کنگره آمریکا برای سیاست‌گذاری ما در زمینه انرژی تعیین تکلیف کند. ۲۳ یا ۲۴ سفیر از مجموع ۲۷ سفیر، از بیانیه اتحادیه اروپا در این مورد حمایت کرده‌اند." (۳)

صاحبان صنایع و مدیران ارشد صنایع المان از طرفداران سرسخت پروژه نورد استریم ۲ و مخالف مداخله آمریکا در مسأله تأمین انرژی صنایع المان بوده‌اند. سخنان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در تابستان سال ۲۰۱۸ در محکوم کردن پروژه نورد استریم ۲ و تحریم آن موجب واکنش شدیدی از سوی مدیران صنایع المان شد. رئیس اتحادیه کارفرمایان صنایع المان، دیتر کمپف، در مصاحبه با یکی از روزنامه‌های المان چنین اظهار داشت: "من مخالف دخالت یک کشور ثالث در امور مربوط به انرژی کشورمان هستم. برای من قابل قبول نیست که این پروژه را لغو کنیم تا بتوانیم گاز مایع از آمریکا وارد کنیم. صنایع المان به نورد استریم ۲ نیاز دارند تا بتوانند با اطمینان انرژی لازم را تأمین کنند... گاز مایع آمریکا نمی‌تواند در حال حاضر در بازار المان با قیمت خوبی عرضه شود و بسیار گران است." (۱۰)

المان و کشورهای اتحادیه اروپا با آن که عضو پیمان ناتو هستند و خود را از دوستان و متحدان آمریکا می‌دانند، در عین حال مراقبند تا در صحنه سیاست‌های جهان و در درگیری آمریکا با دیگر قدرت‌ها مانند روسیه یا چین از منافع اقتصادی و ژئوپولیتیک خود دفاع کنند. در این مورد به عنوان نمونه می‌توان از مخالفت دولت گرهارد شرودر با تصمیم آمریکا در مورد شرکت در جنگ با عراق در سال ۱۳۸۱ یاد کرد. در این مورد المان در یک اتحاد با دول فرانسه و روسیه در مقابل آمریکا قرار گرفت.

اشمید و دیگر سیاستمداران المان موضع آمریکا در مورد نورد استریم ۲ را عوام‌فریبانه می‌دانستند. به گفته آنها "مقامات آمریکائی و به عنوان مثال سفیر پیشین آمریکا در برلین گرنل با اصرار بسیار بر آن بودند که المان باید خرید گاز از روسیه را فراموش و به جای آن گاز مایع از آمریکا خریداری کند. در عین حال خود آمریکا حجم زیادی نفت خام از روسیه وارد می‌کند." (۳) به نظر مقامات المان این یک نوع دو دوزه بازی از سوی مقامات آمریکا بود.

در گزارشی که برای پارلمان اروپا در رابطه با پروژه نورد استریم ۲ تهیه شده، آمده است: تولید گاز در داخل اتحادیه اروپا در حال کاهش است و هیچ گزینه دیگری که بتواند به میزان کافی و با قیمت مناسب جایگزین گاز روسیه شود، وجود ندارد. (۵)

بدین ترتیب جلوگیری از راه اندازی پروژه نورد استریم ۲ عملاً به معنای تحمیل گزینه‌های دیگری از قبیل گاز مایع از آمریکا و به قیمت بالاتری خواهد بود.

بسیاری از سیاستمداران المان بر این باور بودند که در کنار دوستی و اتحاد ستراتیژیک با آمریکا، المان و اروپا به ایجاد روابط اقتصادی سالم و دوجانبه با روسیه که بزرگترین کشور در همسایگی آنهاست، نیاز دارند و دوستی میان اروپا و روسیه ضامن امنیت و صلح پایدار در اروپا خواهد بود. در تمام مدت اجرای این پروژه، سیاستمداران المان اتحادیه اروپا با تمام قوا کوشیدند تا حملات آمریکا به این پروژه را دفع کنند. آنگلا مرکل صدر اعظم پیشین المان موفق شد پس از یک دور مذاکره جو بایدن را قانع کند تا از تحریم پروژه نورد استریم ۲ صرف نظر کند. اشمید در ادامه خطاب به مقامات آمریکا می‌گوید:

اگر شما می‌خواهید از اوکراین حمایت کنید پس اجازه بدهید که ما با تمام نیرویمان در زمینه‌های سیاسی، انرژی و دیگر عرصه‌ها به اوکراین کمک کنیم. ولی اگر مسأله مجازات روسیه است، پس چرا خودتان واردات نفت از روسیه را افزایش می‌دهید؟ (۳)

این امر نشان می‌دهد که مخالفت امریکا با پروژه نورد استریم ۲ در حقیقت به منظور جلوگیری از نزدیکی روسیه و اروپا و همچنین در دست داشتن بازار گاز اروپاست. در حالی که امریکا خود به توسعه روابط اقتصادی با روسیه ادامه می‌دهد، اروپا را از نزدیک شدن به روسیه می‌ترساند. پس می‌توان نتیجه گرفت که هدف امریکا دور کردن رقیب و کسب سهم بیشتر در بازار گاز اروپاست.

دولت المان بالاخره تسلیم فشارهای امریکا شد

پس از ورود ارتش روسیه به خاک اوکراین در اسفندماه [حوت] امسال، دولت المان بالاخره تسلیم فشارهای امریکا شد و پروژه نورد استریم ۲ را رسماً متوقف کرد. باید گفت در حالی که دونالد ترامپ با همه فشارها نتوانست این پروژه را به شکست بکشاند، دولت بایدن موفق شد با تحریکات حساب شده و با کمک متحدانش در اروپا به این هدف برسد. بدین ترتیب امریکا بالاخره موفق شد اروپا را مجبور کند تا گاز گران امریکا را به گاز ارزان روسیه ترجیح دهد. قابل توجه است که پس از تشدید بحران در روابط میان روسیه و اوکراین، امریکا نتوانست به تمام اهدافش در رابطه با بازار گاز اروپا دست یابد.

روزنامه فرانکفورت الگماینه که سخنگوی سرمایه‌های مالی و صنعتی المان است، زنگ خطر را به صدا درآورده است و هشدار می‌دهد. به نظر این روزنامه منع واردات نفت و گاز از روسیه، خسران بزرگی برای اقتصاد المان و ضربه بزرگی به صادرات این کشور به شمار می‌رود. (۱۱) در همین شماره مدیرعامل کنسرن کیمیائی ب.آ.اس. اف خطر را صریح‌تر می‌شکافد. کنسرن کیمیائی ب.آ.اس. اف یکی از بزرگترین واردکنندگان گاز و نفت از روسیه و همچنین شریک تجاری در پروژه نورد استریم ۲ بوده است. او ضمن دفاع از پروژه نورد استریم ۲ خاطر نشان می‌کند، واردات گاز از روسیه ضامن رقابت‌پذیری محصولات کیمیائی المان در جهان بوده است. به گفته او جایگزین کردن گاز روسیه با گاز مایع گران قیمت از امریکا ضربه بزرگی به صادرات المان خواهد زد. (۱۱)

البته حرف آخر در مورد این پروژه هنوز زده نشده است. آینده این پروژه به توازن نیروها بین موافقان و مخالفان این پروژه بستگی دارد. بدیهی است که کنسرن‌های امریکائی به این سادگی از لقمه چرب بازار گاز اروپا صرف‌نظر نخواهند کرد. باید دید تا چه مدت صنایع اروپا حاضر خواهند بود هزینه بیشتری برای خرید گاز مایع بپردازند و از گاز ارزان روسیه صرف‌نظر کنند؟ مبارزه بر سر این پروژه بخشی از مبارزه ژئوپولیتیک میان امریکا و اروپا و روسیه در سطح جهان بوده و مسلماً با فراز و نشیب‌هایی تا مدت‌ها ادامه خواهد یافت.

منابع:

1. U.S. Sanctions Against Nord Stream 2 Pipeline: Strategic Hit Or Miss?, Anna Mikulska, Forbes, Aug 15, 2019
2. Nord Stream 2 – ein Projekt mit geopolitischen Dimensionen? Diskussion mit Alina Polyakova
3. DEUTSCHLAND DIE USA UND NORD STREAM 2, Matthew Rojansky, Januar 2021
4. Natural Gas Intelligence, September 19, 2018

5. The Nord Stream 2 pipeline, Economic, environmental and geopolitical issues, European Parliamentary Research Service, July 2021
6. Russia's Nord Stream 2 Natural Gas Pipeline to Germany, Congressional Research Service, December 9, 2021
7. Independent, February 2021
8. Speech given by George Friedman at The Chicago Council on Global Affairs, Europe: Destined for Conflict, 4 Feb 2015
9. Die Welt, 15.06.2017 10. Deutsche Welle, 24.09.2018
11. Frankfurter Allgemeine Zeitung / FAZ.NET: Warum Deutschlands Exportmodell in Gefahr ist, 01.04.2022
12. Deutsche Welle: Russian gas in Germany: A complicated 50-year relationship, 09.03.2022

دانش و امید، شماره ۱۱ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۱